

اسوهٔ پیشوایی

درس هشتم

یکی از مسئولیت‌های رسول خدا، تشکیل حکومت و رهبری مسلمانان بود. در این درس به گوشه‌هایی از سیره و سبک رهبری ایشان می‌پردازیم.

رسول خدا، اسوه ما در رهبری

همان طور که گفتیم رسول خدا علاوه بر نبوت، مسئولیت پیشوایی جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشت. آن حضرت، در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد. ایشان سیزده سال مردم مکه را به توحید دعوت کرد، اما جز اندکی از مردم مکه به او ایمان نیاوردند و سران مکه که پیشوایان کفر و شرک بودند، مانع آگاهی و ایمان مردم می شدند. رسول خدا ﷺ با دعوت مردم مدینه به این شهر هجرت کرد و به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را بنا نهاد. این حکومت، به تدریج گسترش یافت و در مدت ده سال سراسر شبه جزیره عربستان را فراگرفت. در ظرف این ده سال که پیامبر در مدینه بود، به گونه‌ای زندگی کرد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، از جمله رهبری و پیشوایی، الگو و اسوه انسان‌ها باشد، به طوری که خداوند درباره ایشان فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ
وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ
وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

به راستی که برای شما در پیامبر خدا
سرمشق نیکویی هست
البته برای کسی که به خداوند
و روز بازپسین امید دارد
و خدا را بسیار یاد می کند.

در این درس به برخی از ویژگی‌های رهبری ایشان می‌پردازیم:

۱- اجرای عدالت

رسول خدا ﷺ یکی از اهداف مهم حکومت الهی را اجرای عدالت معرفی فرمود و در این مورد با قاطعیت عمل کرد. ایشان با همه حلم و ملایمتی که در برابر پایمال شدن حق شخصی خود داشت، در برابر پایمال شدن حقوق جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و شخص مجرم را در هر موقعیت و مقامی که بود، مجازات می‌کرد.

نمونه

در زمان‌های گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده می‌شدند. یک بار زنی از یکی از قبایل شریف مکه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای قبیله فکر می‌کردند که رسول خدا به دلیل جایگاهی که قبیله این زن دارد وی را مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر می‌خواهد حکم را اجرا کند. واسطه‌های مختلفی

نزد رسول خدا فرستادند تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا را واسطه کردند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود :

«اقوام و ملل پیشین بدین سبب دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند زیرا اگر فردی بزرگ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد وی را مجازات می‌کردند»^۱.

۲- محبت و احترام به مردم

رفتار رسول خدا ﷺ با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم ایشان را پدر مهربان خود می‌دانستند و در سختی‌ها به ایشان پناه می‌بردند. معمولاً اطرافیان رهبران برای اینکه خود را به آنان نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند، اما رسول خدا به یاران خود می‌فرمود : **بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.** هرکس به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌کرد تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می‌کرد یا بر تشک خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر درباره آخرت حرف می‌زدند با آنان همراهی می‌کرد؛ اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، برای اظهار مهربانی با آنان هم‌سخن می‌شد. گاهی در حضور پیامبر، شعر می‌خواندند یا از گذشته خود می‌گفتند. در همه این موارد، حضرت، آنان را منع نمی‌کرد، مگر از حرام.

۳- سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم

چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهی بود که آزارها و اذیت‌های آنان هرگز سبب دوری از آنان نگردید به گونه‌ای که خداوند درباره او فرمود :

«رنج شما برای او سنگین و گران است و سخت هواخواه شماست»^۲

با همه این زحمت‌ها، دشمنی سران قریش با ایشان روزه‌روز بیشتر می‌شد. می‌گفتند او ساحر و جادوگر است^۳. می‌گفتند دیوانه است^۴، شکمبه شتر بر سر ایشان ریختند، خاکستر بر سر و رویش پاشیدند، طعنه و نیش زبان به او زدند. با وجود اینها، آن‌قدر با مهربانی و صبر و تحمل به هدایت مردم ادامه داد که نزدیک بود از شدت رنج و اندوه فراوان از پا در آید که خداوند به او فرمود :

۱- طبقات کبری، ابن سعد، ج ۴، ص ۵۸

۲- سوره توبه، ۱۲۸

۳- سوره مدثر، ۲۴

۴- سوره دخان، ۱۴

لعلک باخ نفسک نزدیک است که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی
الا یكونوا مؤمنین از اینکه برخی ایمان نمی آورند.

شعراء، ۳

امام علی علیه السلام که در بیشتر این صحنه‌ها در کنار رسول خدا بود، بعدها دربارهٔ تلاش بی پایان پیامبر می فرمود: «پیامبر یک طبیب سیار بود [برخلاف سایر طبیبان که منتظرند تا مردم به سراغشان بیایند] او خود به سراغ مردم می رفت، داروها و مرهم‌هایش را خودش آماده می کرد و ابزارهای طبابت را با خود می برد تا بر هر جا که نیاز داشته باشد بگذارد؛ بر دل‌های کور، بر گوش‌های کر، بر زبان‌های گنگ، او با داروهای خویش بیماران غفلت زده و سرگشته را رسیدگی و درمان می کرد»^۲.

آن حضرت سخنان کسانی را که اهل دلیل و برهان بودند با صبر و حوصله می شنید و هر قسمتی از سخن را که حق بود، تصدیق می نمود و علیه قسمت باطل آن، به آرامی استدلال می کرد.

بیشتر بدانیم

روزی گروهی از مسیحیان نجران^۳ برای سؤال و جواب نزد پیامبر آمدند. آنان پرسیدند که در دین اسلام ما را به چه دعوت می کنی؟

فرمود: به سوی خدای یگانه که شریک و هم‌تا ندارد و اینکه من پیامبر و فرستادهٔ اویم و اینکه عیسی بندهٔ خدا و فرستادهٔ اوست.

پرسیدند: اگر واقعاً عیسی بندهٔ خداست و فرزند او نیست، پس پدر او کیست؟

فرمود: شما دربارهٔ آدم چه عقیده‌ای دارید؟ آیا آدم بنده و مخلوق خدا نبود؟ گفتند: آری.

فرمود: پدر حضرت آدم کیست؟

مسیحیان که نمی خواستند آدم را فرزند خدا بنامند، جوابی ندادند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه‌ای از قرآن را برای آنها خواند که ترجمه‌اش چنین است: «همانا مثل خلقت عیسی (از نظر بدون پدر بودن) مانند خلقت آدم است (که بدون پدر و مادر بود و) خداوند او را از خاک آفرید»^۴.

۱- سورهٔ شعراء، ۳

۲- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸

۳- نجران، منطقه‌ای از عربستان است که در آن دوره، گروهی از مسیحیان در آن ساکن بودند.

۴- سورهٔ آل عمران، ۵۹.

۴- توجه به فقیران و محرومان

رسول خدا ﷺ، فقیران و پابرنهنگان را بسیار گرامی می‌داشت و برخی از آنها دوست صمیمی ایشان محسوب می‌شدند. ایشان هیچ‌گاه ثروت را ملاک برتری نمی‌دانستند. توانایی ارتباط و نشست و برخاست با فقیرترین و محروم‌ترین مردم چنان در ایشان قوی بود که به آسانی در کنار آنان قرار می‌گرفت و صمیمانه با آنها گفت‌وگو می‌کرد و آنان رسول خدا را همدل و همراز خود می‌یافتند. آن حضرت در همه حال از موقعیت فقیران دفاع می‌کند و مانع کوچک شمردن آنان در جامعه می‌شد.

نمونه

روزی رسول خدا ﷺ و یارانش در مجلسی نشسته بودند. تهیدستی که لباس کهنه‌ای به تن داشت وارد شد و در جای خالی کنار مردی ثروتمند نشست. مرد ثروتمند چهره در هم کشید و خودش را جمع‌وجور کرد و به کناری کشید.

پیامبر که رفتار او را دید، فرمود: ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد؟

آن مرد گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟

گفت: خیر یا رسول الله.

پیامبر فرمود: ترسیدی لباس‌هایت در اثر تماس با او آلوده شود؟

گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: پس چرا خودت را جمع‌وجور کردی و از او فاصله گرفتی؟

آن مرد گفت: یا رسول الله اعتراف می‌کنم که مرتکب خطا شدم و به جبران خطایم حاضرم نصف ثروتم را به این برادر مسلمان ببخشم.

مرد فقیر گفت: یا رسول الله، من حاضر نیستم بپذیرم.

حاضر با تعجب پرسیدند: چرا؟!

مرد فقیر پاسخ داد: می‌ترسم بر اثر ثروت، من هم گرفتار غرور و خودخواهی شوم و روزی با برادر مسلمان خود این‌گونه رفتار کنم.^۱

۵- برادری اسلامی

رسول خدا ﷺ با اینکه خود از نژاد قریش بود و در میان مردم مکه متولد شد، اما هیچ توجهی به این ویژگی نژادی نداشت. ایشان مردم را به عرب یا قریش و غیرقریش تقسیم نمی‌کرد. ملاک وی در تقسیم‌بندی، حق و باطل و ایمان و کفر بود. از حق پشتیبانی می‌کرد و در مقابل باطل می‌ایستاد و برای همبستگی مؤمنان تلاش می‌کرد و با کافران در مبارزه بود.

سرلوحه کار ایشان این آیه شریفه بود:

یا أَيُّهَا النَّاسُ
إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا
وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم
همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم
و شما را اقوام و قبیله‌ها ساختیم (قرار دادیم)
تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید
بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست
همانا که خداوند دانای آگاه است.^۱

رسول خدا ﷺ در مدینه حکومت خود را بنا کرد و به‌طور طبیعی، افراد پیرامون وی بیشتر از مردم مدینه و مکه بودند. اما اگر افرادی غیرعرب ایمان می‌آوردند و در جمع مؤمنان قرار می‌گرفتند عزت و شرافتی مانند دیگران می‌یافتند و متناسب با توانایی‌شان، مسئولیت می‌گرفتند.

در میان صمیمی‌ترین یاران وی نام‌هایی چون سلمان از ایران و بلال از حبشه به چشم می‌خورد که گویای توجه وی به همه انسان‌ها از هر نژادی بوده است.

نمونه

با اینکه رسول خدا ﷺ کوشش می‌کرد که قبیله‌های مکه و مدینه تعصب قبیله‌گی را کنار بگذارند، اما در برخی مواقع این تعصب قبیله‌گی، خودش را نشان می‌داد. روزی تعدادی از مردم دور هم جمع شده بودند که مسلمانان نیز در میان آنان بودند. هر کدام با تعصب، قبیله خود را معرفی می‌کرد و بدان افتخار می‌نمود. در این میان، شخصی روبه سلمان کرد و گفت: سلمان! بگو بدانم تو کیستی؟ پدر تو کیست؟ و اصل و ریشه‌ات چیست؟

سلمان گفت: اسم من سلمان و پدرم بنده خداست، من قبل از اسلام گمراه بودم و خداوند متعال به برکت محمد ﷺ هدایت‌م کرد، نیازمند بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ بی‌نیازم نمود، برده بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ مرا از قید بردگی آزاد ساخت، این حسب و نسب من است.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۲.

در همان حال رسول خدا ﷺ به آن جمعیت وارد شد، سلمان از فرصت استفاده کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ! امروز من با این جماعت برخورد کردم، و آنان هر کدام از حسب و نسب خود، سخن به میان آوردند، و من هم درباره اصالت و ریشه خود، مطالبی را توضیح دادم. رسول خدا ﷺ، با شنیدن گفت‌وگوهای آن جماعت، آنان را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: ای جماعت قریش! این را بدانید که، شرافت انسان به‌دینداری او، مروت و انسانیت او به خصلت‌های اخلاقی وی، و اصالت انسان به عقل و اندیشه اوست.

سپس پیامبر ﷺ سلمان را مخاطب قرار داد و فرمود: سلمان! این را بدان که، هیچ‌کدام از اینان بر تو فضیلت و برتری نخواهند داشت، مگر اینکه از تو پرهیزگارتر و خدا ترس‌تر باشند، اما اگر تو تقوی و خدا ترسی داشته باشی، پس تو افضل و برتر خواهی بود^۱.

همین درک صحیح سلمان از اسلام و تعلیمات پیامبر اکرم ﷺ بود که سبب شد، در عین ایرانی بودن سلمان، پیامبر او را از خانواده خود محسوب کند و بفرماید: «سلمان از اهل بیت ما است»^۲.

مهم‌ترین ثمره برادری و اخوت مسلمانان با یکدیگر، به وجود آمدن قدرت بزرگی است که زورگویان و مخالفان با اسلام را از تجاوز به حقوق ملت‌های مسلمان باز می‌دارد و فرصت پیشرفت آنان را فراهم می‌کند. اما با کمال تأسف مشاهده می‌کنیم که در حدود صد سال اخیر با یک نقشه دقیق و برنامه‌ریزی شده، برادری مسلمانان را به دشمنی، با یکدیگر تبدیل کرده و تفاوت اقوام و مذاهب اسلامی را بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند.

بررسی

برخی نمونه‌های این ایجاد دشمنی، میان مسلمانان را در عصر حاضر بیان کنید.

.....
.....

با توجه به همین مسئله، سال‌هاست که علما و دانشمندان دلسوز در جهان اسلام، به‌خصوص در ایران، روشنگری‌های فراوانی کردند تا بار دیگر، مسلمانان را علیه دشمنان اسلام متحد کنند و مانع درگیری‌های میان خود شوند. یکی از این علما، امام خمینی (ره) بود. ایشان در هر فرصتی، مسلمانان را به «وحدت» دعوت می‌کرد و از اختلافات باز می‌داشت.

۱- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹

۲- روضه کافی، ص ۱۸۲، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۲

یکی از ابتکارات جالب امام خمینی (ره)، تبدیل یک موضوع به ظاهر اختلافی میان اهل سنت و شیعیان، به عامل وحدت بود. برخی مورخان اهل سنت، تولد پیامبر اکرم ﷺ را ۱۲ ربیع الاول و برخی مورخان شیعه تولد ایشان را ۱۷ ربیع الاول ذکر کرده‌اند؛ به همین جهت، برخی مسلمانان روز ۱۲ ربیع الاول و برخی دیگر روز ۱۷ ربیع الاول را به‌عنوان سال روز تولد پیامبر ﷺ گرامی می‌دارند.

ایشان بدون اینکه این تفاوت تاریخی را کنار بگذارد، ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را روزهای گرامی داشت شخصیت پیامبر و هفته وحدت اعلام کردند. اکنون بسیاری از مسلمانان که به برادری و وحدت مسلمانان علاقه‌مند هستند، از ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را گرامی می‌دارند و از این فرصت چند روزه برای جشن و شادمانی استفاده می‌کنند و به معرفی بیشتر شخصیت پیامبر می‌پردازند. اما متأسفانه کسانی که فقط به دنبال نزاع و اختلاف هستند، با همین ابتکار هم مخالفت می‌کنند و در همین ایام، تبلیغات اختلافی خود را بیشتر می‌کنند.

برنامه‌ای برای وحدت

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم برادری و وحدت میان خود را تقویت کنیم و از قدرت بی‌پایان حدود دو میلیارد مسلمان و امکانات بی‌نظیر سرزمین‌های اسلامی برای پیشرفت و عزت خود استفاده کنیم، نیازمند اجرای برنامه‌های دقیقی هستیم که نقشه‌های تفرقه افکنانه استعمارگران و عوامل آنان را در سرزمین‌های اسلامی خنثی کند و دل‌های مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند. در اینجا به برخی از این اقدامات اشاره می‌کنیم و می‌کوشیم آنها را در جامعه خود گسترش دهیم:

۱- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود: «کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست»^۱.

در همین راستا باید، از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم، و به این سخن رسول خدا ﷺ به خوبی عمل کنیم که فرمود: «هرکس فریاد دادرخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست»^۲.

۱- من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳).
 ۲- من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴).

۲- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. دولت‌های غربی که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی را میان مسلمانان می‌کارند و در موقع مناسب، محصول پلید آن را درو می‌کنند تا به هدف خود برسند.

۳- اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزاع و ناسزاگویی بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات، نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی‌شود، بلکه دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین، لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف قرآن، سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه کتاب‌های مناسب را در برنامه خود قرار دهیم.

۴- کسانی را که به ظاهر خود را مسلمان می‌نامند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌ورزند، بشناسیم و فریب برنامه‌های آنان را نخوریم. روش این گروه چنین است که دشمنان اسلام مانند صهیونیست‌ها را دوست و برخی مسلمانان را دشمن معرفی می‌کنند؛ به طوری که مردم عادی به تدریج با دشمنان واقعی اسلام دوستی کنند و با گروهی از مسلمانان، دشمنی بورزند.

بیشتر بدانیم

آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبایی بروجردی، معروف به آیت‌الله بروجردی (ره)، یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید در دوره معاصر است. ایشان بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ ه.ش ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده داشت و اکثریت شیعیان جهان برای دریافت احکام دینی به کتاب‌های ایشان مراجعه می‌کردند. ایشان به خوبی دریافته بود که یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، اختلاف و جدایی آنان است و متوجه بود که استعمارگران با برنامه‌های سری به دنبال ایجاد اختلاف میان مسلمانان هستند. از این‌رو، در سال ۱۳۲۷ ه.ش، با حمایت‌های آیت‌الله بروجردی و با کمک برخی از علمای سرشناس اهل سنت که در دانشگاه الازهر مصر تدریس داشتند، مرکزی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد و ایشان با فرستادن نمایندگان به «دانشگاه الازهر» که بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر و کشورهای عربی بود، زمینه‌های ارتباط میان شیعیان و اهل سنت را فراهم کرد.

در آن دوره، ریاست دانشگاه الازهر بر عهده «شیخ محمود شلتوت» بود. وی از پیشنهاد آیت‌الله بروجردی برای تأسیس مرکزی به منظور نزدیکی میان شیعیان و اهل سنت استقبال کرد. این شخص که از بزرگ‌ترین دانشمندان اهل سنت شمرده می‌شد و ریاست بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر را بر عهده داشت، به شدت مخالف گروه‌های تکفیری بود و در مقابل آنها می‌ایستاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «دارالتقریب» با جدیت بیشتر به کار خود ادامه داد و برنامه‌های مختلفی را به اجرا درآورد. یکی از این برنامه‌ها، برگزاری «هفته وحدت» و دیگری «کنفرانس سالانه وحدت اسلامی» است که دانشمندان جهان اسلام گرد هم جمع می‌شوند و درباره مسائل دنیای اسلام گفت‌وگو می‌کنند.